

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: بهمن شفیق  
۲۶ جنوری ۲۰۲۲

## یک حمله کوچولو: اقتدار بر باد رفته امپراتور

در کلان رسانه‌های غربی معرکه ای است تماشانی. پوتین، پوتین، پوتین. همه جا پوتین، این شیطان بزرگ، این پدرخوانده مافیای روس، این تجاوزگر به ملت‌های ضعیف و بیگناه، این دیکتاتور قسی‌القلب و در عین حال این ترسو و بزدلی که از ترس، ناوالنی شیردل را به سیاهچال انداخته است. حالا هم با ۱۰۰ هزار سرباز پشت مرز اوکراین در انتظار فرا رسیدن هوای مناسب است تا بتواند به محض آغاز فصل یخبندان و سفت شدن زمین تانک‌های خود را روانه کی یف کند.

\*\*\*\*\*

وقایع این روزهای جهان را به خاطر بسپارید. شما شاهد اتفاقاتی هستید که تنها در لحظات معینی از تاریخ واقع می‌شوند و گذار از دورانی به دورانی دیگر را به نمایش می‌گذارند. وقایع این روزهای جهان از این نوعند. از نوع فرار تظاهرات‌های دوشنبه‌ها در لایپزیگ المان شرقی و فرار دسته‌جمعی شهروندان این کشور به سفارتخانه‌های کشورهای «برادر» و هجوم گله‌ای آنان به برلین غربی برای خرید موز و شکلات و سرانجام جشن و پایکوبی شان بر خرابه‌های دیوار برلین در سال ۱۹۸۹. همانطور که آن وقایع پایان‌قرنی پر از بیم و امید و آغاز «پایان تاریخ» را اعلام می‌کردند، وقایع این روزهای جهانی هم پایان آن «پایان تاریخ» و ورود به آینده‌ای را اعلام می‌کنند که شکل دادن به آن خود موضوع جدال‌های آتی خواهد بود.

دمیتری اورلوف، فعال رسانه‌ی روسی، درباره آنچه روسیه در روز ۱۷ دسمبر سال ۲۰۲۱ برای جهانیان رونمایی کرد، آن دو پیش‌نویس قرار دادی که روسیه در اختیار امریکا و ناتو گذاشت، ارزیابی را ارائه کرده است که باید پذیرفت. او، خلاف اکثریتی بزرگ از ناظران و کنشگران، معتقد است که روسیه در آن روز به غرب اولتیماتوم نداد. اولتیماتوم برای وادار کردن کسی به چیزی داده می‌شود و همواره یک «در غیر این صورت» را نیز در خود دارد. اقدام روسیه اما به این منظور نبود. روسیه قصد وادار کردن امریکا و ناتو به پذیرش مفاد مطروحه در آن دو پیش‌نویس را نداشت. مفادی که ناتو و امریکا نمی‌توانستند بپذیرند. و این برای روسیه نیز از پیش روشن بود. انتشار علنی آن دو متن پیشنهادی نه به عنوان آغازی برای مذاکرات بی‌پایان، بلکه برای پایان دادن به نمایش مضحکه‌ای بود که به نام دیپلماسی در جریان بود؛ برای پایان دادن به وانمود کردن این که در سوی دیگر رابطه حقیقتاً یک طرف مذاکره جدی قرار دارد در حالی که مدتها بود که مذاکره با آن دیگر هیچ فایده‌ای نداشت و پایان دادن به این نمایش

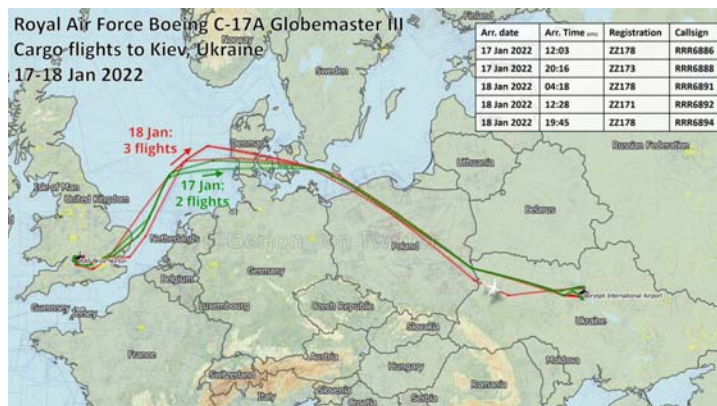
مذاکرات و دیپلماسی یعنی وارد شدن به میدان عمل و قرار دادن طرف مقابل در مقابل عمل‌های انجام شده. آن هم در مقابل چشم تمام جهانیان و نه پشت درهای بسته. والسلام. اولتیماتومی در کار نیست. طرف مقابل باید این رو قورت دهد. همین. و این طرف مقابل امریکا است و ناتو؛ جبهه متحد غرب است و ممالک دمکراتیک؛ جبهه سروران تاکنونی جهان. انتشار علنی آن دو متن اعلام رسمی پایان این سروری و آغاز اقدامات عملی برقرار تنظیمات نوین جهانی بود. این همان دیوار برلین بود که فرو می ریخت، اما برای طرف مقابل.

حکمت انتشار علنی آن دو متن در همین بود. در اعلام این که دوران تحمل شامورتی بازی و شارلاتانیسم «جامعه جهانی» غربی به پایان رسیده است. این را باید تمام جهانیان می شنیدند. باید می شنیدند تا باور می کردند که دوران تازه‌ای آغاز شده است. در غیر اینصورت، در صورتی که این ناگفته می ماند، کشورک کوتوله ای به نام «بریتانیای کبیر» همچنان به خود اجازه می داد که ادای قدرتی جهانی را درآورده و موی دماغ نظم در حال تکوین آینده شود. همچنان که وایکینگهای سوئدی تازه به وجد می آمدند که سوار قطار فرسوده ناتو شوند تا بلکه در تعرض آتی به روسیه پهناور لااقل بخشی از رؤیاهای دیرینه خود برای تصرف اراضی روسیه را تحقق بخشند.

در کلان رسانه‌های غربی معرکه ای است تماشائی. پوتین، پوتین، پوتین. همه جا پوتین، این شیطان بزرگ، این پدرخوانده مافیای روس، این تجاوزگر به ملت‌های ضعیف و بیگناه، این دیکتاتور قسی‌القلب و در عین حال این ترسو و بزدلی که از ترس، ناوالنی شیردل را به سیاهچال انداخته است. حالا هم با ۱۰۰ هزار سرباز پشت مرز اوکراین در انتظار فرا رسیدن هوای مناسب است تا بتواند به محض آغاز فصل یخبندان و سفت شدن زمین تانک‌های خود را روانه کی یف کند. اما کورخوانده است. بازی را بدون طرف مقابل طراحی کرده است. بریتانیای کبیر با سرعت تمام بیش از هزار راکت رودوشی ضد تانک روانه اوکراین کرد تا تجاوز آتی روسیه در همان لب مرز در نطفه خفه شود. قطعاً این پیام قدرتی به کرملین بود تا پیش از دست زدن به هر اقدام احمقانه‌ای به سرنوشت فضاحت بار ماجراجویی نظامی خود نیز فکر کند و بداند که انگلستان نه تنها تجاوز روسیه را تحمل نخواهد کرد، بلکه تا آخرین قطره خون اوکرائینی‌ها با آن مبارزه خواهد کرد.

در حاشیه: آن ضد تانک‌های رودوشی البته کاریکاتوری بیشتر نیستند. همچنین مینی راکت‌های ژاولین امریکائی برای مقابله با تانک‌ها. فقط یک احمق می‌تواند تصور کند که اولاً روسیه با تنها ۱۰۰ هزار نفر برای اشغال اوکراین حمله خواهد کرد. برای اشغال عراق خلع سلاح شده و به مراتب تضعیف شده نیز بیش از ۱۸۰ هزار نفر نیرو به داخل عراق اعزام شد و با احتساب نیروی لجبستیکی پشتیبان در کشورهای همسایه در جمع شاید تا حدود ۵۰۰ هزار نیرو به کار گرفته شد. اوکراین امروز به شکرانه کشورهای دوست ناتو تا دندان مسلح شده است و برای تصرف آن قطعاً نیروئی به مراتب بزرگتر لازم است. هیاهوی حمله قریب الوقوع پوتین به اوکراین فقط برای مسلط کردن فضای جنگی بر جوامع خودی و عرصه سیاست بین‌المللی و به عقب واداشتن روسیه در یک جنگ روانی است و البته روسیه هم دستشان را خوانده است و مدتهاست که در برابر چنین فشارهایی مصون شده است. اما گذشته از این، از نقطه نظر تاکتیک نظامی نیز تصور مؤثر بودن آن مینی راکت‌ها فقط از یک احمق بر می آید. حتی اگر روسیه قصد تصرف اوکراین را هم داشته باشد، تانک‌های روسی تنها زمانی به حرکت در خواهند آمد که قدرت آتش توپخانه و راکتی راه را برایشان هموار کرده باشد. یعنی زمانی که ارتش اوکراین تار و مار شده باشد. امری که به ادعان کارشناسان غربی بین ۴۵ دقیقه تا حداکثر دو روز طول خواهد کشید. حماقت از مشخصه های دوران زوال قدرتها است. اصل مطلب را ادامه دهیم.

صرفنظر از اهمیت نظامی مینی راکت‌های رودوشی انگلیس، پیام قدرت البته ارسال شد و در کرملین هم دریافت شد. فقط یک ایراد جزئی در پیام بود. عکسی هم همراه آن بود که به نظر لکه ناچوری می آمد:



نیروی هوایی ملکه در روزهای ۱۷ و ۱۸ جنوری برای رساندن راکت‌ها جمعا ۵ پرواز انجام داده بود. اما مسیر پرواز هواپیماها کمی عجیب به نظر می رسید. آن‌ها به جای انتخاب مسیر مستقیم، مسیری طولانی‌تر و از فضای هوایی دنمارک را انتخاب کرده بودند. چه اتفاقی افتاده بود؟ خیلی ساده: دولت المان اجازه استفاده از فضای هوایی خود برای ارسال اسلحه به اوکراین را نداد. "جامعه ارزش محور" غرب که قرار بود در دفاع از ارزشهای حقوق بشر و دموکراسی و آنتی توتالیتاریسم متحده در برابر پوتین ظاهر شود، اکنون دو ساز مختلف می نوازند. صد البته که در دیدارهای پی در پی سیاستمداران این «جامعه جهانی» تأکید بر عزم مقابله دوش به دوش با روسیه متجاوز تکرار می‌شود تا دوستان اوکراینی بدانند که غرب طلائی آنان را تنها نخواهد گذاشت. اما بالاخره باید به فکر سرمایه زمستان هم بود و برای آن روزهای یخی آن گاز لعنتی روسیه خیلی لازم است. و این درست است که امریکا دومین شریک تجاری اروپای واحد است، اما یک تجارت ۵ میلیاردی در طول یک ماه با روسیه برای المان هم چیز بدی نیست. به ویژه این که به طور مداوم در حال رشد هم هست. المان البته با اوکراین همدردی می‌کند و در کنار سربازان ملکه می ایستد. اما تا اطلاع ثانوی از اجازه پرواز به هواپیماهای انگلیس خودداری می‌کند.

روشن است که المان و فرانسه مهمند، اما این امریکاست که حرف آخر را در این ائتلاف بزرگ دول دموکراتیک می‌زند و امریکای قدرتمند نیز تردیدی در این باقی نگذاشته است که با قاطعیت تمام به مقابله با روسیه و دفاع از اوکراین خواهد پرداخت. به خصوص سخنرانی تاریخی جوزف بایدن، چهل و ششمین رئیس جمهور امریکا (این عدد را به خاطر داشته باشید. درجایان سال جلوس امپراتور مبدأ تاریخ است. شاید در امریکا سال جلوس بایدن هم مبدأ تاریخ شود!)، و اعلام وسیعترین، فلج کننده ترین و کوبنده ترین تحریمها جایی برای تردید باقی نگذاشت که عزم امریکا برای دفاع از اوکراین جزم است. مشکل فقط این بود که آن دلقکی که امروز رئیس جمهور اوکراین است ناچار شد روز بعد توثیقی بزند و اندوه فراوان خود را از این حامیان بی‌دریغ خویش به اطلاع برساند. دوران خندیدن و خندانند برای او مدتهاست به پایان رسیده است. حالا او خود را ناچار می‌دید در پاسخ به جوزف بایدن بنویسد: "ما می خواهیم به قدرتهای بزرگ یادآوری کنیم که نه حمله کوچکی در کار است و نه ملتی کوچک. همچنان که تلفات کوچک و اندوه کوچکی نیز در از دست دادن عزیزان نمی‌تواند در میان باشد. این را من به عنوان رئیس جمهور یک قدرت بزرگ می گویم." عجب، رئیس قدرت بزرگ اوکراین!! (از قرار استعداد خندان دیگران را هنوز کاملاً از دست نداده است) به قدرتهای بزرگ دیگر یادآوری می‌کند که حمله کوچکی در کار نیست. دارد پاسخ رئیس بزرگترین قدرت حامی خویش

را می دهد. پاسخ معمار کودتای لیبرال-فاشیستی ۲۰۱۴، جوزف بایدن. او بود که روز قبل در سخنرانی اش ضمن اعلام عزم قاطع دول دمکراتیک و در رأس آنان امریکا برای مقابله با روسیه، در ضمن این را نیز گفته بود که البته اگر روسیه «یک حمله کوچولو minor incursion» به اوکراین بکند ماجرا تفاوت خواهد کرد و او باید با متحدین خودش مشورت کند که چه پاسخی لازم است. باید حتی برای آن دلچک هم روشن باشد که رئیس یک جمهوری بزرگ، آن هم بزرگترین جمهوری تاریخ، جمهوری ملت استثنائی، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن همه جوانب عمل کند.

این را سفیر پیشین امریکا، مایکل مک فاول، سفیر سابق امریکا در روسیه نیز می داند: "یک حمله همه جانبه که سربازان روسیه وارد کی یف شوند نیاز به واکنشی متفاوت خواهد داشت از یک تهاجم بسیار محدودتر...". زمان برای حدس و گمان رسیده است. ژورنالیستها، مفسران، «کارشناسان»، اتاق های فکر و خلاصه جمیع علمای اعلام حال می‌توانند رساله ها بنویسند و سخنرانی‌ها کنند که اولاً «حمله کوچک» چیست و کجا تمام می‌شود؟ و ثانیاً منظور رئیس جمهور از بیان این عبارات چه بود؟ دارد به روسها کلک می‌زند تا آن‌ها با خیال راحت به اوکراین حمله کنند و بعد امریکا بتواند با متحدین خود پدرشان را در بیاورد؟ آنطور که در ماجرای اشغال کویت توسط عراق کرده بودند؟ یا این که از خیر اوکراین گذشته اند؟ یا حتی این که جو بایدن خواب آلود هنگام بیان این کلمات حواسش نبود؟

اوضاع کمی ناجور است. آن از المان و اجازه پرواز هواپیماهای انگلیس و این هم از رئیس جمهور امریکا. اما گویا وقتی بخواهد بد بیاید همه جانبه می آید. حالا سویدن و فنلند هم اعلام کرده‌اند که با وجود عشق بی پایانی که به عضویت در ناتو دارند و این همه سال بیصبرانه در انتظار آن بودند، حالا برای این که روسها را عصبانی نکنند فعلاً از این عضویت صرفنظر می‌کنند و آن را به عقب می اندازند. می خندید؟ باشد، اشکالی ندارد. کمی خنده بد نیست. دوستان ناتو را هم عصبانی می کند.

گل بود، به سبزه نیز آراسته شد. فرانسه هم اعلام کرده است که باید همکاری بهتری با روسیه باشد و یک دیالوگ «باز» لازم است. البته که ناتو مهم است اما اروپائی ها باید دیالوگ خودشان را داشته باشند. مکرون حتی اعلام کرد که مناسبات با روسیه باید بر اساس اصولی باشند که سی سال پیش «نه علیه روسیه، بلکه به همراهی آنان» به کار بسته شدند. سؤالی هست؟ هنوز در اقتدار ناتو تردید دارید؟ زلنسکی با حمایت این متحدین ثابت قدم پوزة پوتین را به خاک خواهد مالید. حالا پوتین برود و ماست خودش را بخورد.

حق با اورلوف بود. متنهای منتشر شده در روز ۱۷ دسمبر ۲۰۲۱ از سوی روسیه اولتیماتوم به غرب نبود. اعلام علنی آن بود که روسیه دیگر وقعی به غربی‌ها نخواهد گذاشت و کار خودش را خواهد کرد. ورق برگشته است. حالا آن‌ها هر کاری که مایلند بکنند.

این روزها را فراموش نکنید. خوب به خاطر بسپارید. لازم خواهد شد که در آینده برای کودکان خود بازگو کنید.

۳ بهمن [دلو] ۱۴۰۰ / ۲۳ جنوری ۲۰۲۲